



بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی بر فرهنگ قالی بافی شهرستان تویسرکان استان همدان در پنج دهه اخیر

سپهر قاسمی^۱، اشکان رحمانی^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷



دوفصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم



چکیده

قالی بافی در شهرستان تویسرکان، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های هنر و فرهنگ بومی استان همدان است که در طول تاریخ، پیوندی عمیق با ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منطقه داشته است. با این حال، تحولات سیاسی و اجتماعی چند دهه‌ای اخیر، از جمله تحریم‌های اقتصادی، تغییر سیاست‌های صادراتی فرش، مهاجرت‌های روستایی، کاهش مشارکت زنان در بافت، و ورود رنگ‌ها و الیاف مصنوعی، به تدریج موجب دگرگونی در ساختار فنی، بصری و فرهنگی قالی‌های این منطقه شده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی معاصر بر طرح‌ها، رنگ‌بندی و شیوه‌های فنی قالی بافی تویسرکان و تحلیل نقش این تحولات در تغییر هویت فرهنگی قالی این منطقه است. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «تحولات سیاسی و اجتماعی چه تأثیری بر ویژگی‌های فنی و فرهنگی قالی بافی تویسرکان داشته‌اند؟»، داده‌ها از طریق مشاهده میدانی، مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته با بافندگان، طراحان و فروشندگان محلی و بررسی منابع اسنادی گردآوری شده‌اند. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، پیوند میان تحولات کلان اجتماعی و تغییرات در هنرهای سنتی را روشن ساخته است. ضرورت پژوهش در پرکردن شکاف مطالعاتی موجود در حوزه‌ی بررسی تأثیر عوامل کلان سیاسی

۱- دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲- دانشیار، گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

و اجتماعی بر هنرهای بومی به ویژه قالی بافی مناطق غربی ایران نهفته است؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی کلان و رکود صادرات فرش ایران، همراه با تغییر در ساختار اجتماعی و فرهنگی منطقه، باعث کاهش اصالت نقوش، جایگزینی رنگ‌های شیمیایی، و افول مهارت‌های سنتی در میان نسل‌های جدید بافندگان شده است. در عین حال، برخی ویژگی‌های اصیل مانند نقوش لچک و ترنج و رنگ‌های آبی و قرمز، همچنان در آثار محلی حفظ شده‌اند.

واژه‌های اصلی: تحولات سیاسی، تحولات اجتماعی، فرهنگ قالی بافی، تویسرکان، همدان.

مقدمه

در سال‌های اخیر، قالی بافی به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگی و هنری ایران، تحت تأثیر مستقیم تحولات سیاسی و اجتماعی کشور قرار گرفته است. شهرستان تویسرکان در استان همدان، از مناطقی است که قالی بافی در آن نه تنها به عنوان یک حرفه و منبع درآمد، بلکه به عنوان بخشی از هویت فرهنگی مردم شناخته می‌شود. در تبیین این جایگاه باید گفت که فرهنگ، مجموعه‌ای پیچیده از دانش، باورها، هنر و آدابی است که فرد به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند و هویت فرهنگی، فرایند معنا سازی براساس این تعلقات است که میان «خود» و «دیگری» تمایز ایجاد می‌کند. به تعبیر استوارت هال، هویت فرهنگی امری ایستا و ثابت نیست، بلکه فرایندی مداوم از «شدن» است که همواره در دل بازنمایی‌های هنری و تولیدات مادی بازتولید می‌شود (۱۹۹۰: ۲۲۲-۲۳۷).



در این میان قالی دستباف، به عنوان شاخص‌ترین هنر بومی ایران، با اتکا بر نقش‌ها، طرح‌ها و عناصر تصویری و نمادین، نقشی بنیادین در بازنمایی و تثبیت هویت فرهنگی اقوام ایرانی ایفا کرده است. پیوند ناگسستنی فرش دستباف و فرایند تولید آن با لایه‌های گوناگون زیست، فرهنگ و جهان بینی انسان ایرانی موجب شده است که این هنر، فراتر از یک دست‌بافته تزئینی، واجد کارکردی هویتی باشد و همچون نمادی فرهنگی، آیین‌ها، رسوم، روایت‌ها و حکایت‌های بومی و اساطیری را در خود منعکس سازد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را حامل و بیانگر هویت ملی ایرانی دانست (رشادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۱۸). این هویت در قالی بافی تویسرکان، در قالب ارتباط میان فرهنگ بومی و ارزش‌های دینی، و همچنین پاسداشت زبان بصری گذشتگان در نقوش قالی نمود می‌یابد. بنابراین، هرگونه تغییر در تار و پود این هنر، صرفاً یک دگرگونی فنی نیست، بلکه بازتابی از تغییر در لایه‌های عمیق هویت فرهنگی بافندگان است. با این حال، تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چند دهه‌ای اخیر، ساختار سنتی این هنر را دستخوش دگرگونی‌هایی؛ از تغییر در شیوه‌ی تولید و نقش زنان در این عرصه گرفته تا دگرگونی در بازار فروش و نوع طرح‌ها و رنگ‌ها کرده است.

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر بر فرهنگ قالی بافی در شهرستان تویسرکان انجام گرفته است. درواقع، پرسش اصلی پژوهش بر این محور است که تحولات

سیاسی و اجتماعی در عصر معاصر چه تأثیری بر فرهنگ، ساختار و استمرار قالی بافی در تویسرکان داشته‌اند؟ ضرورت انجام این پژوهش از آنجا سبب می‌گیرد که قالی بافی نه تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه بخشی از میراث فرهنگی و هویت اجتماعی مردم این منطقه است لذا شناخت عوامل مؤثر بر تغییر یا تداوم این هنر می‌تواند به برنامه‌ریزی بهتر جهت حفظ و احیای آن کمک کند. از سوی دیگر، بررسی این موضوع، تصویر روشن‌تری از رابطه‌ی میان تحولات اجتماعی و فرهنگی در مناطق سنتی ایران ارائه می‌دهد و می‌تواند به درک بهتر از چگونگی تأثیر سیاست‌ها و شرایط اجتماعی بر صنایع دستی بومی منجر شود. در مجموع، پژوهش جاری تلاشی جهت پیوند دادن ابعاد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی با واقعیات روز جامعه‌ی تویسرکان است، تا بتوان فهمید چگونه تحولات سیاسی و اجتماعی عصر معاصر، مسیر و محتوای فرهنگی قالی بافی در این شهرستان را شکل داده‌اند.

پیشینه پژوهش

بررسی منابع و مطالعات انجام شده در حوزه‌ی فرش ایران نشان می‌دهد که هرچند درباره‌ی قالی بافی استان همدان پژوهش‌های قابل توجهی صورت گرفته است، اما پژوهشی جامع که به‌طور خاص به تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی بر بافته‌های منطقه‌ی تویسرکان بپردازد، تاکنون انجام نشده است. اغلب مطالعات پیشین، تمرکز خود را بر جنبه‌های هنری، نقوش سنتی یا ویژگی‌های فرمی و فنی قالی‌های شهرستان همدان و ملایر معطوف داشته‌اند و به ارتباط این عناصر با تحولات فرهنگی و ساختاری کمتر پرداخته‌اند.

به‌آذین (۱۳۴۴) در کتاب قالی ایران، به بررسی تاریخچه‌ی قالی بافی در استان همدان پرداخته و تأثیر بازارهای داخلی و خارجی را بر روند تولید و تحول نقش‌ها و رنگ‌ها در این منطقه مورد توجه قرار داده است. صوراسرافیل (۱۳۷۵) در کتاب فرش همدان، با رویکردی اجتماعی، به تأثیر تحولات فرهنگی و اقتصادی بر نقوش و کیفیت تولید فرش در همدان اشاره دارد. ملکی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ی صنعت فرش همدان، نقشه‌های مورد استفاده در قالی‌های صادراتی و داخلی را در شش گروه عمده طبقه‌بندی کرده و تحولات آنها را در ارتباط با تقاضای بازار جهانی بررسی کرده‌اند. محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ی فرش همدان، با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، نقوش رایج در این منطقه را بازنمایی از باورها و زندگی روزمره‌ی مردم دانسته است. ژوله (۱۳۹۰) در کتاب پژوهشی در فرش ایران، ضمن ارائه‌ی تصویری کلی از ساختار و ویژگی‌های فنی فرش استان همدان، بر جایگاه تویسرکان به‌عنوان یکی از کانون‌های تولید فرش‌های اصیل و بادوام تأکید کرده است. جلیلیان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان بررسی نقوش فرش روستایی بافت همدان، ریشه‌ی بسیاری از نقوش رایج را در نمادهای فرهنگی و اجتماعی چون خیر و برکت جست‌وجو کرده است. در میان منابع بین‌المللی، آلیند (۱۹۹۸)، در کتاب راهنمای کامل فرش‌های شرقی به پیشینه‌ی تاریخی قالی بافی در همدان اشاره کرده و آن را یکی از مراکز مهم بافت در غرب ایران از دوران صفویه می‌داند. سخایی (۲۰۰۸) در کتاب قالیچه‌ها و قالی‌های شرقی،

با تمرکز بر قالی‌های ملایر، ویژگی‌های رنگ و نقوش منطقه‌ای استان همدان را بررسی می‌کند. فورد (۲۰۰۸) در کتاب طراحی فرش شرقی، طرح ماهی هراتی را از مهم‌ترین ویژگی‌های قالی‌های همدان دانسته و پیوند آن را با سنت‌های باستانی ایران تبیین می‌کند.

با وجود این حجم از مطالعات، بیشتر پژوهش‌ها به توصیف فرمی قالی همدان یا تحلیل طرح و نقوش کلاسیک آن محدود بوده‌اند. بررسی وجود ندارد که رابطه‌ی میان تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معاصر و تغییر در ویژگی‌های فنی، رنگی و طرحی قالی‌های تویسرکان را به صورت نظام‌مند تحلیل کرده باشند. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ی حاضر را روشن می‌سازد؛ مطالعه‌ای که می‌کوشد ضمن مستندسازی ویژگی‌های فرمی، فنی و بصری قالی‌های منطقه، روند تغییرات آنها را در بستر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر بازخوانی کند.

روش پژوهش

پژوهش فوق از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی-تفسیری است؛ پژوهش جاری با محوریت بررسی تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی معاصر بر فرهنگ قالی‌بافی شهرستان تویسرکان انجام گرفته است. گردآوری داده‌ها در دو مرحله؛ ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به منظور تدوین مبانی نظری و بررسی پیشینه‌ی تاریخی قالی‌بافی منطقه؛ سپس از طریق مطالعات میدانی شامل مشاهده‌ی مستقیم، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته و تکمیل کارت مشاهده جهت ثبت ویژگی‌های فنی و بصری قالی‌ها انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل بافندگان، رنگ‌رزان، طراحان و فروشندگان فرش در استان همدان است. روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدف‌مند بوده و ۴ نفر از فعالان حوزه‌ی فرش (۲ بافنده و ۲ طراح و فروشنده) جهت مصاحبه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کیفی-تفسیری و در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند تا ارتباط میان متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی استخراج شود. جهت اعتبارسنجی یافته‌ها، از روش سه‌سوسازی شامل مقایسه‌ی داده‌های حاصل از مشاهده، مصاحبه و منابع مکتوب استفاده شد. همچنین بازبینی مشارکت‌کنندگان جهت تأیید صحت نتایج به کار رفت. در مجموع، روش پژوهش حاضر با ترکیب داده‌های اسنادی و میدانی، تصویری جامع از تأثیر تحولات معاصر بر اصالت طرح، رنگ و ساختار فنی قالی‌های تویسرکان ارائه می‌دهد.

تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی بر وضعیت کنونی قالی‌بافی در شهرستان تویسرکان

قالی‌بافی در شهرستان تویسرکان، همچون بسیاری از مناطق ایران، همواره در پیوندی تنگاتنگ با شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه قرار داشته است. این هنر سنتی که زمانی به عنوان یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد خانوار و بخشی از هویت فرهنگی مردم منطقه شناخته می‌شد، در دهه‌های اخیر تحت تأثیر دگرگونی‌های گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، چهره‌ای متفاوت به خود گرفته است. «پس



از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دوران پس از جنگ تحمیلی، تغییر در سیاست‌های اقتصادی کشور، مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها و کاهش حمایت‌های دولتی از صنایع دستی، موجب شد قالی بافی در کشور و به‌خصوص تویسرکان از مسیر سنتی خود فاصله گیرد» (صبوحی و نگارندگان، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۷). در گذشته، کارگاه‌های قالی بافی با ساختار خانوادگی و با تکیه بر تجربه‌ی نسل‌های پیشین فعالیت می‌کردند؛ اما با دگرگونی‌های اجتماعی، نقش اقتصادی این کارگاه‌ها کاهش یافته و جای خود را به تولیدات محدود و پراکنده داده‌اند. در شرایط کنونی، بیشتر بافندگان را زنان تشکیل می‌دهند (جدول ۱)؛ زنانی که غالباً به دلیل فشارهای اقتصادی، بیکاری مردان در بخش‌های دیگر و تغییرات در سبک زندگی اجتماعی، ناچار به فعالیت در این حوزه هستند. با این حال، نبود آموزش حرفه‌ای، دسترسی محدود به بازار فروش، و ضعف در نظام حمایتی باعث شده است که این گروه علی‌رغم تلاش زیاد، سهم اندکی از درآمد واقعی قالی را به‌دست آورند. فقر اقتصادی بافندگان، در کنار تحولات فرهنگی جامعه، موجب افت کیفیت تولید، تکرار نقوش و از بین رفتن بخشی از اصالت‌های هنری شده است. «تحولات سیاسی در سطح ملی، ازجمله تغییر در سیاست‌های بازرگانی و کاهش صادرات صنایع دستی، نیز تأثیر مستقیمی بر وضعیت صنعت علی‌الخصوص قالی بافی در تویسرکان گذاشته است» (مؤمنی و نعمت‌اللهی، ۱۴۰۲: ۸۶). نبود ثبات در بازار فرش، افزایش قیمت مواد اولیه و کم‌رنگ شدن نقش نهادهای دولتی در حمایت از تولیدکنندگان محلی، موجب شده بسیاری از بافندگان به شیوه‌ی خویش‌فرمایی روی بیاورند. «درمقابل، نظام کارفرمایی که پیش‌تر از سوی شرکت‌های دولتی یا نیمه‌دولتی هدایت می‌شد، اکنون به شکل محدود و غیرمتمرکز ادامه دارد. از سوی دیگر، تغییرات اجتماعی همچون گسترش آموزش رسمی، افزایش اشتغال زنان در بخش‌های دیگر و نفوذ رسانه‌ها، باعث تغییر در نگرش نسل جوان به قالی بافی شده است. در حالی که نسل‌های پیشین این حرفه را نمادی از هویت و هنر می‌دانستند، امروزه بسیاری از جوانان آن را کاری سخت و کم‌درآمد تلقی می‌کنند» (Satvati & Gor-ji, 2018: 185). با وجود همه این دگرگونی‌ها، هنوز هم در مناطقی چون درباز، شهرستانه، بیرده، اشترمل، تخته‌گلی، تخته سفید، باباکمال، پیرپازول، سیاده، مالیچه، گل‌زرد و یعقوب‌شاه، قالی بافی به‌عنوان بخشی از فرهنگ محلی زنده است. در این مناطق، نقوش اصیل و تلفیقی همچنان بافته می‌شوند، گرچه در بسیاری موارد کیفیت و اصالت رنگ‌ها و طرح‌ها تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است.

جدول ۱: تعداد بافندگان شهرستان تویسرکان (نگارندگان)

تعداد بافندگان فعال در شهرستان تویسرکان	آقا	۶۵ نفر	۱۲٪
	خانم	۵۰۰ نفر	۸۸٪

تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی بر صادرات قالی ایران با تأکید بر قالی‌های استان همدان و شهرستان تویسرکان

تحولات صنعت قالی‌بافی ایران در دهه‌های اخیر عمده‌تأ ریشه در عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارند، این تحولات نه تنها موجب تغییر در ساختار تولید و بازار فروش قالی‌های ایرانی شده‌اند، بلکه بر حیات اقتصادی جوامع محلی بافنده، از جمله شهرستان تویسرکان در استان همدان نیز تأثیر مستقیمی بر جای گذاشته‌اند. در دهه‌های گذشته، صادرات قالی دستباف به‌ویژه در استان‌های غربی ایران از جمله همدان، سهم قابل توجهی در اقتصاد محلی داشت. قالی‌های این مناطق، با طرح‌های اصیل لچک و ترنج و رنگ‌های طبیعی سرمه‌ای و قرمز، از جایگاه ویژه‌ای در بازارهای جهانی برخوردار بودند. با این حال، از ابتدای دهه‌ی ۱۳۹۰ (دهه‌ی ۲۰۱۰ میلادی)، مجموعه‌ای از عوامل سیاسی و اقتصادی موجب افول چشمگیر صادرات فرش ایران شد. «از منظر سیاسی، اعمال تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه ایران به‌ویژه پس از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸، مسیر صادرات قالی را به شدت محدود کرد. این تحریم‌ها، که انتقال پول و مبادلات بانکی بین‌المللی را دشوار ساختند، صادرکنندگان ایرانی را از دسترسی مستقیم به بازارهای جهانی محروم کردند» (Intelli news, 2023). افزون بر آن، سیاست‌های داخلی مانند الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به سامانه‌های رسمی دولتی، انگیزه‌ی تولید و صادرات را کاهش داد (Iran Focus, 2024). از سوی دیگر، تحولات اقتصادی داخلی از جمله افزایش هزینه‌ی مواد اولیه، رکود بازار داخلی و نبود حمایت کافی از بافندگان سنتی نیز بر وضعیت صادرات تأثیر گذاشت. به‌ویژه در استان همدان و شهرستان تویسرکان، کاهش دسترسی به مواد باکیفیت، جایگزینی رنگ‌های مصنوعی به جای رنگ‌های طبیعی، و افت توان مالی کارگاه‌های کوچک، سبب شد تولید از شکل تجاری و صادرات محور به تولید محدود خانگی تغییر یابد. در دهه‌ی اخیر، افت ارزش صادرات قالی ایران به روشنی گویای این بحران ساختاری است. براساس داده‌های بانک جهانی (WITS, 2023) و مرکز آمار (CEIC, 2017)، ارزش صادرات فرش دستباف ایران از بیش از ۴۲۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ به حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار در سالیان اخیر رسیده است (جدول ۲)؛ کاهش بیش از ۹۰ درصد طی یک دهه (نمودار ۱). این روند نزولی نه تنها بازتاب فشارهای بین‌المللی و سیاست‌های داخلی است، بلکه نشان‌دهنده‌ی تغییر ذائقه‌ی بازار جهانی و رقابت پذیری پایین فرش ایرانی در برابر تولیدکنندگان نوظهور مانند هند و نپال است.

در سطح استانی، استان همدان که یکی از مراکز تاریخی قالی‌بافی ایران به شمار می‌رود، همچون سایر مناطق از این رکود آسیب دیده است (جدول ۳). در شهرستان تویسرکان، بخش عمده‌ای از تولیدکنندگان که پیش‌تر در قالب کارفرمایی یا خویش‌فرمایی به صادرات غیرمستقیم اشتغال داشتند، امروز فعالیت خود را به بازارهای محلی محدود کرده‌اند (جدول ۴). تغییرات ناشی از تحریم‌ها موجب شده ارتباط میان بافندگان روستایی و صادرکنندگان مرکزی گسسته شود و بسیاری از بافندگان، به‌ویژه زنان روستایی، از چرخه‌ی تولید حرفه‌ای خارج شوند. از نظر فرهنگی نیز، توقف صادرات و کاهش



تقاضای خارجی باعث رکود در نوآوری طرح‌ها و رنگ‌ها شده است. در گذشته، بازار جهانی موجب تشویق به تنوع نقوش و ارتقای کیفیت بود؛ اما امروز، نبود این بازار انگیزه‌ی بافندگان جهت حفظ یا توسعه‌ی اصالت‌های هنری را کاهش داده است. نتیجه‌ی این وضعیت، کاهش تدریجی جایگاه جهانی قالی همدان و تویسرکان و تهدید جدی جهت تداوم سنت‌های بومی قالی بافی در این نواحی است.

جدول ۲: روند صادرات فرش دستباف در ایران (نگارندگان)

سال / دوره	ارزش صادرات (میلیون دلار)	توضیح / منبع
۲۰۱۱	۴۲۷,۴	اوج صادرات فرش دستباف ایران در دهه‌ی اخیر (Intelli news, 2023)
۲۰۱۷	۳۶۰	کاهش صادرات طبق داده‌های CEIC (CEIC Data, 2017)
۲۰۱۸-۲۰۱۹	۳۰۶,۵	تغییر تمرکز بازار به سمت فرش ماشینی (Kohan Textile Journal, 2019)
۲۰۲۲	۵۰,۵	کاهش شدید صادرات طبق داده‌های WITS (World Bank, 2023)
۲۰۲۳	۵۳,۵	اندکی بهبود در صادرات قالی (OEC, 2023)
۲۰۲۴	۴۱,۷	کاهش مجدد طبق گزارش WANA (WANA, 2024)
۲۰۲۵	۳۹,۷	ادامه روند نزولی براساس داده‌های MENA Covering (MENA Covering, 2025)



دوفصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم



جدول ۳: میزان تولید قالی در استان همدان در پنج سال اخیر (نگارندگان)

میزان تولید قالی در استان همدان (متر مربع)	۱۴۰۰-۱۳۹۹	۱۴۰۱-۱۴۰۰	۱۴۰۲-۱۴۰۱	۱۴۰۳-۱۴۰۲	۱۴۰۴-۱۴۰۳
	۲۹,۰۰۰ متر مربع	۳۳,۴۰۰ متر مربع	۴۵,۰۰۰ متر مربع	۳۶,۷۰۰ متر مربع	۴۰,۰۰۰ متر مربع

جدول ۴: تعداد و درصد تولیدکنندگان شهرستان تویسرکان ۳ (نگارندگان)

شاخص‌ها	دوره اوج صادرات (تقریبی: ۱۳۷۵-۱۳۸۵)	دوره کاهش صادرات (۱۳۹۰ به بعد)
درصد و تعداد تولیدکنندگانی که به‌طور مستقیم در صادرات نقش دارند.	۳-۱۲٪	۰-۰٪
درصد و تعداد تولیدکنندگانی که به‌طور غیرمستقیم (از طریق کارفرمایان و تجار همدان/تهران) در صادرات مشارکت دارند.	۸-۳۲٪	۶-۱۶٪
درصد و تعداد تولیدکنندگانی که عمدتاً در بازار داخل فعالیت دارند.	۱۴-۵۶٪	۸۳,۳-۱۰٪

تحولات سیاسی و اجتماعی و تأثیر آنها بر طرح‌ها و نقوش قالی بافی در شهرستان تویسرکان

در گذشته، قالی‌های تویسرکان بیشتر با طرح لچک و ترنج شناخته می‌شدند. این طرح‌ها که ساختاری هندسی با لبه‌های پلکانی و نقوش گیاهی پوشیده داشتند، نشان‌دهنده‌ی ترکیب نظم هندسی با الهام از طبیعت بودند. «براساس پژوهش‌های استون، لچک و ترنج‌های قالی‌های تویسرکان اغلب دارای

سرترنج‌هایی با تزیینات منظم و هندسی‌اند که اصالت طرح‌های ایرانی را حفظ کرده‌اند» (استون، ۱۳۹۱: ۱۱۳). در همین راستا، به‌آذین به دوام بالای بافت و استحکام مواد اولیه‌ی قالی‌های منطقه اشاره کرده و آنها را در عین سادگی، نمونه‌ای از قالی‌های اصیل روستایی دانسته است (به‌آذین، ۱۳۴۴: ۸۸).

با گذر زمان و در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی، ازجمله کاهش حضور نسل‌های جوان در حرفه‌ی قالی‌بافی، مهاجرت روستاییان، و دگرگونی در بازار مصرف، اصالت طرح‌های سنتی تا حدودی دچار تحول شد. در قالی‌های جدیدتر، سادگی و صراحت خطوط سنتی همچنان حفظ شده، اما بسیاری از طرح‌ها به‌سوی نقوش ابتدایی‌تر یا اقتباسی از مناطق دیگر گرایش یافته‌اند. در برخی نمونه‌ها، حضور نقوش حیوانی و پرندگان دیده می‌شود که بازتابی از طبیعت و باورهای بومی در ذهن بافندگان است. «به‌گفته‌ی نیکویی، متداول‌ترین طرح در میان قالی‌های تویسرکان، ترکیب لچک و ترنجی بزرگ با متنی کوچک است که عمدتاً از نقوش گیاهی تشکیل می‌شود و خطوط کنگره‌ای و دندانه‌دار در حاشیه‌ی آن تکرار می‌گردد. این ویژگی‌ها علاوه بر زیبایی بصری، نوعی هماهنگی میان ساختار هندسی و روح روستایی منطقه را بازتاب می‌دهند» (۱۳۸۷: ۱۰). در میان نقوش بومی منطقه، طرح‌های آقاصادقی (دارایی)، مالیچه، زاغه و اژدر (اژدها) از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌ها هستند. پژوهشگرانی چون صوراسرافیل و ژوله این طرح‌ها را از مهم‌ترین نقوش بومی منطقه دانسته‌اند که بیشتر در روستاهای مالیچه و زاغه بافته می‌شوند (صوراسرافیل، ۱۳۷۵: ۱۴۵؛ ژوله، ۱۳۹۰: ۱۹۹). وجه مشترک این نقوش، سادگی در فرم و استحکام در طراحی است که آنها را از دیگر مناطق متمایز می‌سازد. بسیاری از این قالی‌ها دارای دو یا سه ترنج‌اند و نقوش گردان در آنها به‌صورت زاویه‌دار و شکسته دیده می‌شود؛ ویژگی‌ای که ریشه در سنت‌های کهن قالی‌بافی این ناحیه دارد (یساولی، ۱۳۷۵) (تصاویر ۱ الی ۴).

از منظر اجتماعی، تغییر در ذائقه‌ی خریداران، ورود رنگ‌های شیمیایی و کاهش دسترسی به مواد طبیعی موجب دگرگونی در ترکیب رنگ‌ها (جدول ۵) و ساختار بصری نقوش شده است. در کنار این عوامل، سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی دهه‌های اخیر نیز با تأثیرگذاری بر بازار صادرات فرش ایران، مسیر طراحی و تولید را به سوی الگوهای ساده‌تر و تجاری‌تر سوق داده است. در نتیجه، هرچند در برخی نقاط همچون تویسرکان هنوز اصالت طرح‌های سنتی حفظ شده، «اما در مواردی شاهد نفوذ سبک‌هایی نظیر قالی‌نابینی هستیم که به‌گفته‌ی ژوله چندان مورد استقبال بافندگان بومی قرار نگرفته است» (ژوله، ۱۳۹۰: ۱۹۹). طرح‌ها و نقوش قالی‌های تویسرکان را می‌توان آینه‌ای از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوران معاصر دانست. اگر در گذشته قالی‌های این منطقه روایتگر باورها، نماد هویت بومی و نشانه‌ی پیوند انسان با طبیعت بودند، امروزه با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، این نقوش بازتابی از چالش‌های جامعه در حفظ اصالت‌های فرهنگی در برابر دگرگونی‌های زمانه‌اند. قالی‌تویسرکان همچنان با طرح لچک و ترنج خود زنده است؛ اما درون این ترنج‌ها، تاریخ یک منطقه، فراز و فرود معیشت مردم و تأثیر سیاست و اجتماع بر فرهنگ سنتی به‌روشنی دیده می‌شود (نمودار ۲).





تصویر ۲: نقش زاغه (نگارندگان)



تصویر ۱: نقش آصادوقی (نگارندگان)



تصویر ۴: طرح چند ترنج (Ur1)



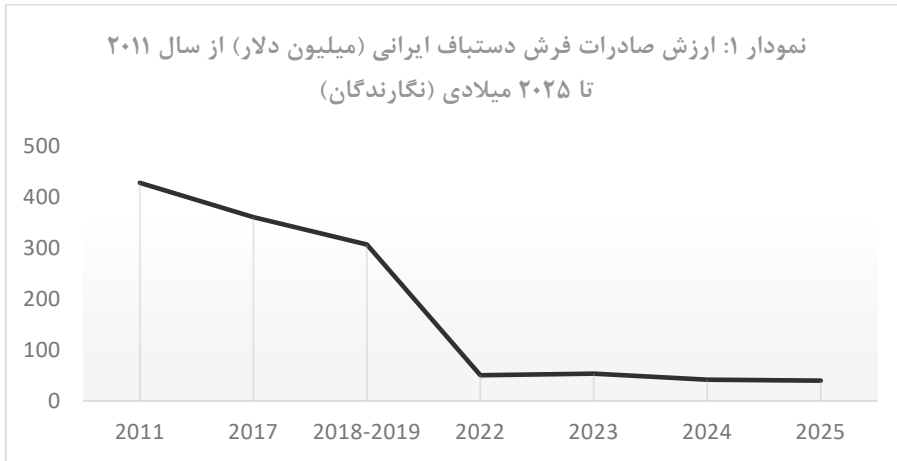
تصویر ۳: نقش مالیچه (نگارندگان)



دو فصلنامه
بهار و تابستان ۱۴۰۵
دوره هفتم، شماره سیزدهم

جدول ۵: مقایسه رنگ‌های غالب در قالی‌های تویسرکان با ذائقه خریداران در دو دوره تاریخی متفاوت (نگارندگان)

رنگ غالب مصرفی	پیش از دهه ۸۰	یک الی دو دهه اخیر
سرمه‌ای	۷۰٪	۳۰٪
لاکی	۱۵ الی ۲۰٪	۵۰٪
سفید	کمتر از ۱٪	۱۰٪



نمودار ۲: تأثیرات سیاسی-اقتصادی بر بازار طرح و نقش (نگارندگان)

تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی بر رنگ‌بندی و شیوه‌ی رنگ‌رزی قالی‌های تویسرکان

در قالی‌های تویسرکان رنگ‌بندی، جایگاهی محوری در بازنمایی روح فرهنگی و ذهنیت جمعی مردم این خطه دارد. در دوره‌های گذشته، ترکیب رنگ‌های طبیعی، عمیق و هماهنگ، از مهم‌ترین ویژگی‌های قالی‌های این منطقه به شمار می‌رفت و درک ویژه‌ای از هماهنگی و تعادل رنگی را بازتاب می‌داد. با این حال، در پی تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چند دهه‌ی اخیر، تغییرات محسوسی در شیوه‌ی رنگ‌رزی و انتخاب رنگ‌ها پدید آمده که بر اصالت و هویت بصری قالی‌های تویسرکان اثرگذار بوده است. «در گذشته، زمینه‌ی اصلی قالی‌های تویسرکان معمولاً به رنگ سرمه‌ای تیره یا آبی پررنگ بوده است. این رنگ‌ها علاوه بر ایجاد حس وقار و آرامش، در ترکیب با قرمز و کرم، نوعی هماهنگی چشم‌نواز و ماندگار ایجاد می‌کردند. و در دیدگاه کلی قالی‌های تویسرکان اغلب دارای زمینه‌ی سرمه‌ای هستند» (استون، ۱۳۹۱: ۱۱۳). صباچی نیز بر غلبه‌ی رنگ قرمز در نقوش این منطقه تأکید دارد و معتقد است این ترکیب رنگی که ریشه در ذوق سنتی و تجربه‌ی تاریخی بافندگان دارد، از ویژگی‌های شاخص قالی‌های تویسرکان محسوب می‌شود (صباحی، ۱۳۹۳: ۳۴۵). در دوره‌های سنتی، رنگ‌رزی به شیوه‌ی طبیعی و با بهره‌گیری از مواد بومی انجام می‌گرفت. استفاده از گیاه روناس برای رنگ قرمز، پوست گردو برای قهوه‌ای، نیل برای آبی و گیاه اسپرک برای زرد، بخشی از سنت‌های رنگ‌رزی این منطقه بوده است. «به‌آدین اشاره می‌کند: پشم گوسفندان محلی در فرایند رنگ‌رزی، رنگ را به‌خوبی جذب می‌کرده و حاصل آن، رنگ‌هایی درخشان و ماندگار بود که بر دوام و زیبایی قالی‌های منطقه می‌افزود» (به آدین، ۱۳۴۴: ۸۸). چنین ویژگی‌هایی موجب می‌شد قالی‌های تویسرکان از نظر درخشندگی و هماهنگی رنگی، جایگاه ممتازی در میان قالی‌های مناطق غربی ایران داشته باشند. «به گفته‌ی نیکویی، چیرگی رنگ آبی تند از نشانه‌های اصلی قالی‌های تویسرکان است و این رنگ، مفهومی نمادین از آرامش و استواری



در فرهنگ بومی دارد» (نیکویی، ۱۳۸۷: ۱۰). ترکیب رنگ‌های گرم مانند قرمز و لاک‌ی با زمینه‌ی سرد سرمه‌ای، در این قالی‌ها نوعی تعادل بصری ایجاد می‌کند که ریشه در درک طبیعی از اقلیم کوهستانی و طبیعت منطقه دارد. این هماهنگی رنگی از دیرباز مورد توجه خریداران داخلی و خارجی بوده و جلوه‌ای از پیوند میان هنر، طبیعت و فرهنگ محلی را به نمایش گذاشته است. با این حال، در دهه‌های اخیر، با تغییرات ساختاری در اقتصاد و جامعه، سنت رنگرزی طبیعی تا حد زیادی جای خود را به روش‌های شیمیایی داده است. ورود رنگ‌های مصنوعی و کاهش دسترسی به مواد طبیعی باعث شده تا کیفیت رنگ‌ها از نظر درخشندگی، ماندگاری و اصالت کاهش یابد. این دگرگونی، نتیجه‌ی مستقیم فشارهای اقتصادی، افزایش هزینه‌ی تولید و کمبود نیروی متخصص در رنگرزی سنتی است. بسیاری از بافندگان، به دلیل هزینه بالای رنگ‌رها و فرایند به نسبت پیچیده‌تر رنگرزی گیاهی و محدودیت زمانی، به استفاده از رنگ‌های شیمیایی روی آورده‌اند که اگرچه هزینه‌ی کمتری دارند، اما به مرور اصالت بصری و کیفیت قالی را تضعیف کرده‌اند. تحولات اجتماعی نیز در این روند نقش بسزایی داشته‌اند. کاهش مشارکت نسل جوان در قالی بافی، مهاجرت نیروی کار و فقدان آموزش‌های سنتی موجب شده است که مهارت‌های رنگرزی طبیعی کمتر به نسل جدید منتقل شود. در نتیجه، دانش بومی در زمینه‌ی ترکیب رنگ‌ها و تهیه‌ی رنگ‌های گیاهی در معرض فراموشی قرار گرفته است. از سوی دیگر، تغییر در سلیقه‌ی مصرف‌کنندگان و بازارهای داخلی و خارجی باعث شده بافندگان جهت جلب مشتری به سمت رنگ‌های تندتر و ترکیب‌های مدرن‌تر گرایش پیدا کنند. بنابراین، می‌توان گفت رنگ‌بندی قالی‌های تویسرکان امروز بازتابی از دو دوره‌ی متفاوت است: دوره نخست، دوران اصالت و سنت‌گرایی است که حدوداً تا اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی تداوم داشت؛ در این دوره استفاده از رنگ‌رهای طبیعی و نیل، روناس و پوست گردو هویت اصلی دست‌بافته‌های منطقه را تشکیل می‌داد. دوره دوم، دوران گذار و تجاری‌سازی است که ریشه‌های آن حدوداً از ابتدای دهه ۱۳۵۰ شمسی با ورود گسترده رنگ‌های شیمیایی آغاز شد. این روند در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شمسی به دلیل سرعت بالای رنگ‌آمیزی و ارزان تمام شدن فرایند تولید، به سرعت رواج یافت و با تغییر ذائقه بازار در دهه ۱۳۸۰ به اوج گسترش خود رسید؛ به‌طوری که امروزه رنگ‌بندی‌های مدرن و شیمیایی بر تولیدات غالب شده است. با وجود این تغییرات، رنگ‌های سرمه‌ای و لاک‌ی همچنان به‌عنوان عناصر اصلی در بافت قالی‌های تویسرکان باقی مانده‌اند و نماد پیوند ناگسستنی این منطقه با میراث فرهنگی خود هستند.

ویژگی‌های فنی و ساختاری قالی بافی در شهرستان تویسرکان در بستر تحولات اجتماعی و اقتصادی معاصر

بررسی جنبه‌های فنی بافت قالی‌های تویسرکان نشان می‌دهد که تغییر در ابزارها، مواد اولیه، شیوه‌ی بافت و حتی ساختار نقوش، متأثر از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر بوده است. این دگرگونی‌ها نه تنها کیفیت و ظاهر قالی را تغییر داده‌اند، بلکه بیانگر سازگاری فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی بافندگان با شرایط جدید هستند.



در گذشته، ابزارهای بافت قالی در تویسرکان عمدتاً به صورت سنتی و دست ساز بودند. دارهای چوبی افقی و عمودی که توسط نجاران محلی ساخته می شد (تصویر ۵ و ۶)، در اغلب خانه ها و کارگاه های روستایی مورد استفاده قرار داشت. این دارها با وجود سادگی، انعطاف پذیری زیادی داشتند و با نیازهای محلی سازگار بودند. اما با گسترش صنعت فلزکاری و تغییر در سبک تولید، امروزه بیشتر دارهای قالی منطقه از نوع عمودی و فلزی هستند که دوام بالاتری دارند و به کارگاه های شهری و نیمه صنعتی امکان تولید مداوم می دهند. ابزارهای اصلی بافت شامل دفتین، قیچی و چاقو است، که همچنان همان کاربرد سنتی خود را حفظ کرده اند. در گذشته، از کرکیت های بزرگ جهت کوبیدن پود درشت و از کرگ گیر جهت گرفتن کرک پشم استفاده می شد، اما با تغییر سبک تولید و سرعت گرفتن فرایند بافت، این ابزارهای قدیمی به تدریج کنار گذاشته شده اند. در زمینه ی چله کشی، روش ترکی در سراسر منطقه رواج دارد. این شیوه ی چله کشی که از قدیمی ترین روش های بافت در غرب ایران است، باعث استحکام و انسجام بیشتر تار و پود می شود. چله کشی در تویسرکان هنوز هم توسط زنان بافنده و به صورت دستی انجام می شود، اما کاهش آموزش سنتی و مهاجرت نسل جوان باعث شده انتقال این مهارت ارزشمند با چالش مواجه شود. مواد اولیه ی قالی های تویسرکان نیز در گذر زمان دچار تغییرات بنیادین شده است. در گذشته، نخ های پشمی و پنبه ای دست ریس بیشترین کاربرد را داشتند. این نخ ها، که از پشم گوسفندان محلی و پنبه ی بومی به دست می آمدند، ضمن داشتن دوام بالا، با رنگ های طبیعی به خوبی ترکیب می شدند و درخشندگی خاصی به قالی می دادند. امروزه اما با افزایش هزینه های تولید و محدودیت منابع طبیعی، از الیاف ترکیبی آکریلیک-پنبه ای با تاب Z در ضخامت های مختلف برای تار و پود استفاده می شود. نخ های تار معمولاً بین ۱۵ تا ۲۱ لا و به رنگ سفید هستند، در حالی که پودهای ضخیم با همان ترکیب و رنگ، بافته می شوند. این تغییر، نتیجه ی شرایط اقتصادی و تحریم هاست که باعث گرایش بافندگان به مواد صنعتی ارزان تر و در دسترس تر شده است. در ساختار بافت، قالی های اصیل تویسرکان یک پودی هستند، هرچند در برخی نمونه های جدید، به ویژه در تولیدات تجاری، دوپودی شدن نیز دیده می شود. گره ی مورد استفاده در همه ی قالی های این منطقه از نوع ترکی (مقارن) است. الیاف گره از پشم دو لا با پیچ Z تشکیل شده که در گذشته به صورت دست ریس و امروزه کارخانه ای است. این تغییر در جنس پشم، هرچند سرعت تولید را بالا برده، اما از لطافت و اصالت بافت سنتی کاسته است. قالی های تویسرکان دارای رج شماری بین ۱۲ تا ۲۲ هستند؛ قالی های ریزبافت تر معمولاً برای فروش در بازارهای شهری یا صادراتی تولید می شوند، در حالی که نمونه های درشت بافت تر بیشتر در بازار محلی کاربرد دارند. این تفاوت در رج شمار، بازتابی از شرایط اقتصادی و نیاز بازار در دوره های مختلف است. در بخش شیرازه پیچی، قالی های تویسرکان دارای شیرازه های متصل با جنس پشمی هستند. رنگ شیرازه معمولاً با حاشیه ی قالی هماهنگ است و تعداد نخ های چله برای شیرازه پیچی با ظرافت و اندازه ی قالی متناسب انتخاب می شود. در سال های اخیر، به دلیل کاهش دقت در بافت و کمبود آموزش های تخصصی، کیفیت شیرازه پیچی در برخی تولیدات

کاهش یافته است. گلیم باف قالی های توپسرکان اغلب به صورت کرباسی و از جنس آکرلیک-پنبه ای بافته می شود. اندازه ی گلیم باف معمولاً بین دو تا سه سانتی متر است و کارکرد آن بیشتر جهت استحکام لبه ی قالی است و جنبه ی تزئینی ندارند. در نهایت، آرایش سرچله ها در قالی های توپسرکان به شیوه ی گره ی محلی انجام می شود که از سنت های دیرینه ی بافندگان منطقه محسوب می شود. با این حال، با کاهش تولید خانگی و گسترش تولید کارگاهی، در بسیاری از موارد این آرایش سنتی جای خود را به شیوه های ساده تر داده است (جدول ۶). بررسی ویژگی های فنی قالی بافی در توپسرکان نشان می دهد که هر تغییر در ابزار، مواد اولیه و شیوه ی بافت، بازتابی از تحولات اجتماعی و اقتصادی زمانه است. از جایگزینی دارهای فلزی به جای چوبی تا استفاده از الیاف مصنوعی به جای پشم طبیعی، همه گواهی بر سازگاری ناگزیر جامعه ی بافنده با شرایط جدید اقتصادی و فشارهای ناشی از رکود صادرات و کاهش حمایت های دولتی است. در عین حال، تداوم برخی عناصر سنتی مانند چله کشی ترکی و گره ی متقارن، نشان از مقاومت فرهنگی و تلاش برای حفظ هویت بومی در میان تغییرات گسترده دارد.



تصویر ۵: دار عمودی چوبی (نگارندگان)



تصویر ۶: دار عمودی فلزی (نگارندگان)

جدول ۶: مقایسه‌ی ویژگی‌های فنی قالی بافی نویسندگان در گذشته و امروز در بستر تحولات اجتماعی و اقتصادی (نگارندگان)

رده‌ی فنی	ویژگی‌های فنی در گذشته (دوره‌ی سنتی)	ویژگی‌های فنی در دوران معاصر (تحت تأثیر تحولات اجتماعی-اقتصادی)	توضیح و تحلیل تغییرات
دار قالی	چوبی، دست ساز محلی، افقی و عمودی	فلزی، صنعتی، عمودی	تغییر در ابزار به دلیل صنعتی شدن تولید و افزایش دوام؛ حذف مهارت‌های نجاری سنتی
ابزار بافت	دفتین، قیچی، چاقو، کرکیت، کرگ‌گیر	دفتین، قیچی، چاقو (ساده‌تر شده)	حذف ابزارهای سنتی به دلیل افزایش سرعت تولید و کاهش مهارت سنتی
چله‌کشی	دستی، سنتی، به شیوه‌ی ترکی	هنوز هم ترکی، ولی گاه با استفاده از ابزار مکانیکی	تداوم سنت با تغییر در ابزار؛ نشان دهنده‌ی مقاومت فرهنگی در برابر تغییرات
تار (چله)	الیاف پشمی یا پنبه‌ی دست‌ریس، تاب S	الیاف آکریلیک-پنبه‌ای، تاب Z	استفاده از نخ‌های صنعتی به دلیل هزینه‌ی کمتر و کاهش دسترسی به مواد طبیعی
پود ضخیم	الیاف پنبه‌ای دست‌ریس، تاب S	الیاف آکریلیک-پنبه‌ای، تاب Z	تغییر مواد اولیه با حفظ کارکرد فنی مشابه
پود نازک	-	اغلب تک‌پود، در مواردی دو پود	ورود شیوه‌های جدید بافت در قالی‌های صادراتی
گره	ترکی (مقارن)، پشم دست‌ریس، ۲ لا، پیچ Z	ترکی (مقارن)، پشم کارخانه‌ای، (۲ لا)	کاهش کیفیت الیاف، اما ثبات در تکنیک گره؛ تداوم سنت فنی اصیل
رج‌شمار	۱۲ تا ۲۲ (درشت تا متوسط)	۱۴ تا ۲۴ (تنوع بسته به بازار هدف)	افزایش دقت بافت در برخی کارگاه‌های نیمه‌صنعتی
شیرازه	متصل، پشمی، با رنگ حاشیه هماهنگ	متصل، پشمی، با رنگ حاشیه هماهنگ	کاهش جزئی در دقت تزئینی به دلیل تولید انبوه
گلیم باف	کرباسی، پنبه‌ای، ۲ تا ۳ سانتی‌متر	کرباسی، آکریلیک-پنبه‌ای، ۲ تا ۳ سانتی‌متر	ثبات در ساختار، تغییر در جنس الیاف
آرایش سرچله‌ها	گره‌ی محلی سنتی	گره‌ی محلی یا بدون گره	کاهش ظرافت در قالی‌های تجاری
منبع مواد اولیه	محلی، تولید خانوادگی (پشم گوسفندان منطقه)	صنعتی، خریداری از مراکز شهری	تأثیر مستقیم تحولات اقتصادی و کاهش خودکفایی محلی
شیوه‌ی رنگ‌رزی	طبیعی (روناس، نیل، اسپرک، پوست گردو)	شیمیایی (رنگ‌های آنیلینی و صنعتی)	از میان رفتن مهارت‌های سنتی و تأثیر تحریم‌ها بر واردات مواد رنگی طبیعی



بحث و نتیجه‌گیری

قالی بافی در شهرستان تویسرکان، همانند بسیاری از مناطق غرب ایران، نه تنها یک فعالیت اقتصادی بلکه عنصری فرهنگی و هویتی است که در طول نسل‌ها با زندگی اجتماعی، باورها و ارزش‌های مردم منطقه درآمیخته است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که این هنر-صنعت در گذر زمان، به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معاصر قرار گرفته است و این تأثیرات در سه سطح ساختاری، فنی و فرهنگی قابل تحلیل است. در سطح سیاسی و اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات ارزی، و کاهش صادرات فرش ایران، تأثیر مستقیم بر بازار قالی گذاشته‌اند. به ویژه در دهه‌های اخیر، رکود صادرات باعث شده که تولیدکنندگان و بافندگان محلی از بازارهای جهانی جدا شوند و تمرکز آنها از کیفیت هنری به تولید ارزان‌تر و سریع‌تر تغییر یابد. سیاست‌های حمایتی ناکافی از صنایع دستی و وابستگی بازار داخلی به واسطه‌ها، انگیزه‌ی تولید آثار اصیل را کاهش داده و موجب شده بسیاری از بافندگان به مشاغل دیگر روی آورند یا به بافت سفارشی با الگوهای غیر بومی بپردازند. در بعد اجتماعی و فرهنگی، مهاجرت روستاییان، تغییر ساختار خانوارها، و کاهش نقش اقتصادی زنان در تولید سنتی، از مهم‌ترین عوامل دگرگونی در الگوهای بافت و طرح‌های محلی بوده است. در گذشته، قالی تویسرکان نه تنها محصول کار جمعی خانواده بلکه نماد روایت‌های فرهنگی، اسطوره‌ها و باورهای مردم بود. اما امروزه با گسست میان نسل‌ها و نبود آموزش‌های سنتی، مهارت‌های بومی در حال فراموشی‌اند. این روند باعث شده که نقوش و طرح‌ها، که زمانی حامل معنا و هویت فرهنگی بودند، به تدریج به شکل‌های ساده‌تر، تکراری و تجاری بدل شوند. در بعد فنی و زیباشناختی، یافته‌ها نشان می‌دهد که ورود رنگ‌های مصنوعی، جایگزینی پشم محلی با الیاف صنعتی، و تغییر در ابزار و شیوه‌ی بافت، کیفیت و اصالت قالی‌های منطقه را کاهش داده است. در گذشته، رنگرزی طبیعی با گیاهان بومی مانند روناس، نیل و اسپرک نه تنها رنگی ماندگار ایجاد می‌کرد، بلکه با اقلیم و طبیعت منطقه پیوند داشت. اما امروزه استفاده از رنگ‌های شیمیایی باعث از بین رفتن آن هماهنگی طبیعی و درخشندگی خاص قالی‌های اصیل شده است. با این حال، بررسی‌ها نشان داد که برخی از بافندگان سنت‌گرا هنوز در تلاش‌اند تا با حفظ روش‌های قدیمی، کیفیت و اصالت بافته‌های خود را نگه دارند، هرچند فشارهای اقتصادی و کمبود حمایت‌های دولتی، استمرار این شیوه‌ها را دشوار کرده است. از منظر تحلیل فرهنگی، قالی تویسرکان اکنون به نوعی عرصه‌ی تقابل میان سنت و مدرنیته تبدیل شده است. در یک سو، ارزش‌های اصیل فرهنگی و مهارت‌های سنتی قرار دارند و در سوی دیگر، فشارهای بازار، نیازهای اقتصادی و دگرگونی‌های اجتماعی. این تقابل، چهره‌ی قالی تویسرکان را دوگانه ساخته است؛ از یک سو هنوز نشانه‌هایی از اصالت و هویت بومی در نقوش و رنگ‌ها دیده می‌شود، و از سوی دیگر، نفوذ الگوهای تجاری و تغییر ذائقه‌ی مصرف‌کنندگان، چهره‌ی آن را از حالت بومی و فرهنگی به سمت تولید انبوه و اقتصادی سوق داده است. براساس تحلیل نهایی، می‌توان نتیجه گرفت که تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر، نه تنها بر تولید مادی قالی بلکه بر مفهوم فرهنگی و جایگاه اجتماعی آن نیز



تأثیر گذاشته‌اند. کاهش نقش زنان در فرایند تولید، از میان رفتن کارگاه‌های خانوادگی، و فاصله گرفتن نسل جوان از این هنر، از نشانه‌های بحران فرهنگی در حوزه‌ی قالی‌بافی به‌شمار می‌رود. در عین حال، مقاومت فرهنگی برخی از بافندگان و تمایل آنان به حفظ اصالت‌های محلی، نشانه‌ای از پویایی درونی این هنر است که می‌تواند پایه‌ای برای احیای آن در آینده باشد.

به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آینده‌ی قالی‌بافی در تویسرکان، وابسته به سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی در سطح ملی است. حمایت از آموزش سنتی، احیای رنگرزی طبیعی، ثبت و مستندسازی نقوش بومی، و ایجاد بازارهای محلی و بین‌المللی جهت محصولات اصیل، می‌تواند گامی مؤثر در حفظ و بازسازی این میراث فرهنگی باشد. در غیر این صورت، روند فعلی می‌تواند به فراموشی تدریجی یکی از کهن‌ترین جلوه‌های فرهنگ ایرانی بینجامد. این پژوهش، با رویکردی تحلیلی و بین‌رشته‌ای، تلاش کرد تا شکاف میان مطالعات فنی قالی‌بافی و بررسی‌های اجتماعی-فرهنگی را پر کند و تصویری جامع از رابطه‌ی متقابل میان سیاست، جامعه و هنر ارائه دهد؛ رابطه‌ای که درک آن، برای حفظ میراث ناملموس مناطق ایران، ضرورتی فرهنگی و هویتی است.

پی‌نوشت:

- ۱- این آمار در تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ از اتحادیه تعاونی فرش شهرستان تویسرکان اخذ شده است.
- ۲- این آمار در تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ از اداره فرش سازمان صمت استان همدان اخذ شده است.
- ۳- این آمار در تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ از اتحادیه تعاونی فرش شهرستان تویسرکان اخذ شده است.

فهرست منابع:

۱. استون، پ. (۱۳۹۱). فرهنگنامه فرش شرق (ترجمه بیژن اربابی). تهران: انتشارات یساوولی.
۲. اعتمادزاده به‌آزین، محمود (۱۳۴۴). قالی ایران. تهران، ایران: انتشارات ابن سینا.
۳. جلیلیان، نعیمه (۱۳۹۱). بررسی نقوش فرش روستایی بافت همدان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان).
۴. رشادی، حجت‌الله؛ صالحی، سمیه؛ نوروزی قره قشلاق، حسین (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل میزان بازتاب شاخصه‌ها و ابعاد هویت ملی در قالیچه‌های تصویری دوره قاجار. هنرهای صناعی ایران. سال ششم، شماره ۱، صفحه ۲۱۳-۲۳۶.
۵. ژوله، ت. (۱۳۹۰). پژوهشی در فرش ایران. تهران، ایران: انتشارات یساوولی.
۶. صباچی، م. (۱۳۹۳). قالین. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۷. صبحوحی، عفت؛ مسعود، محمد؛ مرادی‌چادگانی، داریوش؛ صادقی، نگین (۱۳۹۹). تحلیل دگرگونی سیاست‌گذاری‌های افقی و عمودی سامان‌دهی مشاغل شهری در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و عمرانی ملی ایران پس از انقلاب اسلامی. اقتصاد شهری، (۱)۵، ۸۱-۹۸.
۸. صوراسرافیل، شیرین (۱۳۷۵). تاریخ منقوش فرش همدان. تهران، ایران: انتشارات مینا.



۹. محمدی، محمد (۱۳۸۷). فرش همدان نگاهی مردم‌شناختی، نشریه فرهنگ مردم، شماره ۲۶، صفحه ۱۰۲-۱۱۲.
۱۰. ملکی، سیدحسن؛ یآوری، حسین؛ احزازی، عبدالله؛ محمودزاده، نصرت‌الله (۱۳۸۷). صنعت فرش همدان. پژوهش‌نامه قالی ایران. شماره ۸۰، صفحه ۲۵-۲۸.
۱۱. مؤمنی، فرشاد؛ نعمت‌اللهی، سمیه (۱۴۰۲). اقتصاد سیاسی سیاست صنعتی در ایران. دو فصلنامه توسعه علوم انسانی، ۷(۴)، ۶۷-۹۶.
۱۲. نیکویی، مجید (۱۳۸۷). معرفی فرش مناطق ایران-همدان. تهران، ایران: انتشارات مرکز ملی فرش ایران.
۱۳. یساولی‌ثانی، ج. (۱۳۷۵). قالی‌ها و قالیچه‌های ایران. تهران: انتشارات یساولی.
14. Eiland, Jr. (1998). *Oriental Rugs: Complete Guide*. Laurence Hing. London.
15. Ford, P. R. J. (2008). *Oriental Carpet Design: A Guide to Traditional Motifs, Patterns and Symbols*. London: Thames & Hudson Ltd.
16. Hall, S. (1990). Cultural identity and diaspora. In J. Rutherford (Ed.), *Identity: Community, culture, difference* (pp. 222-237). Lawrence & Wishart.
17. Intelli news. (2023). *Iran's economy and the impact of sanctions on traditional industries*. *Business New Europe*.
18. Iran Focus. (2024). *Iran's carpet exports plummet by over tenfold*. Retrieved from <https://iranfocus.com>.
19. Sakhai, E. (2008). *Persian Rugs & Carpets the Fabric of Life*. London: Antique collectors Club.
20. Satvati, J., & Gorji, A. A. (2018). An Analysis on the "Youth Right to Employment" in the Constitution and Upstream Regulations of National Development Plans. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 17(40), 177-198.
21. URL 1: <https://turcopersian.com>.

